



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین الملل

تبیین تطبیقی توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه و مالزی براساس نظریه موج سوم دموکراسی

استاد راهنما:

دکتر علی امیدی

استاد مشاور:

دکتر شهروز ابراهیمی

پژوهشگر:

علیرضا شبان

آبان ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از پژوهش موضوع  
این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

شبه کارشناس پایان نامه  
رعایت شده است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل آقای علیرضا شبان  
تحت عنوان

تبیین تطبیقی توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه و مالزی براساس نظریه موج سوم دموکراسی

در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱- استاد راهنمای پایان نامه: دکتر علی امیدی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه: دکتر شهروز ابراهیمی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه: دکتر نوذر شفیعی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه: دکتر مهدی ادیبی با مرتبه علمی دانشیار

امضای مدیر گروه علوم سیاسی



## سپاسگزاری

از آقای دکتر علی امیدی بعنوان استاد راهنما و آقایان دکتر نوذر شفیعی و دکتر ادیبی بعنوان اساتید داور و تمامی عزیزانی که با ارشادات خود نقشی شایان ذکر در پرثمرتر شدن این رساله داشتند نهایت تقدیر و تشکر را دارم. همچنین بر خود لازم می دانم با ذکر اسامی دوستانی که به نحوی در نگارش رساله یاور من بوده اند، سپاسگذاری نمایم. فرزاد استوایی، جواد حراستی، فرهاد کنده، احمد عباسزاده یاغی، احمد صبوری نژاد، انوش نخود بریز، دوستانی بودند که با صبر و تحمل زیاد سختیهای تدوین رساله را بر من آسان ساختند.

این اثر را به پیشگاه مادر عزیزم تقدیم می‌کنم که ۱۷ سال است نقش پدر را هم برایم ایفا می‌کند.

وینستون چرچیل:

آیین ديمقراسی بدترین شکل حکومت است. اما با وجود این از تمام آیین هایی که تاکنون آزمایش شده بهتر است.

## چکیده

دو کشور مالزی و ترکیه هر دو جزو جوامعی هستند که پس از استقلال مسیر توسعه خود را آغاز کردند. مقوله توسعه در کشورهای کمتر پیشرفته به یکی از مهمترین مباحث تئوریک و عملی در چند دهه اخیر تبدیل شده است و از آنجا که مقوله فرهنگ و دین در کشورهای مسلمان جهان سوم یکی از پایه های اساسی لازم برای توسعه است لذا نگارنده علاقه مند است به تبیین توسعه در کشورهای اسلامی ترکیه و مالزی با توجه به فرهنگ اسلامی آنها در کنار دیگر عوامل بپردازد. در بین کشورهای اسلامی که به سطوح قابل توجهی از رشد و توسعه نائل آمده اند تنها از مالزی و ترکیه می توان نام برد. لذا سوال اصلی در این رساله عوامل مشترک و متفاوت موثر بر توسعه دو کشور مالزی و ترکیه است. نگارنده در این رساله به عوامل داخلی و خارجی موثر بر توسعه آنها در قالب نظریه موج سوم دمکراسی پرداخته است. اصلاحات داخلی در ابعاد گوناگون بخصوص اصلاحات فرهنگی، تاثیر شخصیت‌های مهم بر توسعه در درون دستگاه دولت، سازواری با ساختار نظام بین الملل برای عوامل داخلی و جهانی شدن و نقش سازمان‌های بین المللی نیز برای عوامل خارجی موثر بر توسعه در نظر گرفته شده اند. وجوه اشتراک آنها در زمینه عوامل داخلی موثر بر توسعه و وجوه افتراق آنها عوامل خارجی موثر بر توسعه بوده است... تجربه آنان در زمینه توسعه می تواند راهگشای بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه باشد

**واژگان کلیدی:** توسعه، دمکراسی، موج سوم دمکراسی، اصلاحات داخلی، سازواری با ساختار نظام بین الملل.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

- |   |                                   |
|---|-----------------------------------|
| ۱ | ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی      |
| ۳ | ۲-۱- کلیدواژه ها                  |
| ۴ | ۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق |
| ۵ | ۴-۱- اهداف تحقیق                  |
| ۶ | ۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق           |
| ۶ | ۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق           |
| ۶ | ۷-۱- فرضیه های تحقیق              |
| ۷ | ۸-۱- روش تحقیق                    |
| ۷ | ۹-۱- ابزار تجزیه و تحلیل          |
| ۹ | ۱۰-۱- ساماندهی پژوهش              |

### فصل دوم: چارچوب تئوریک

- |    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۱۰ | ۱-۲- مقدمه                          |
| ۱۱ | ۲-۲- موج سوم دمکراسی                |
| ۱۲ | ۳-۲- توسعه اقتصادی                  |
| ۱۴ | ۴-۲- تغییرات دینی                   |
| ۱۴ | ۵-۲- عوامل بین المللی موثر بر توسعه |
| ۱۵ | ۶-۲- کاهش خشونت                     |



۱۶ -۷-۲- نتیجه گیری

## فصل سوم: مالزی

۱۷ -۱-۳- مقدمه

۱۸ -۲-۳- مختصات کشور

۱۸ -۳-۳- مصادیق رشد و توسعه

۲۱ -۴-۳- تبیین توسعه در مالزی

۲۳ -۱-۴-۳- اصلاح داخلی

۲۴ -۱-۱-۴-۳- جهت گیری اقتصادی برون نگر

۳۱ -۲-۱-۴-۳- سرمایه گذاری خارجی

۳۳ -۳-۱-۴-۳- مبارزه با فساد

۳۴ -۴-۱-۴-۳- حاکمیت قانون و تغییر سیاستها و قوانین در صورت عدم کارایی آن در جامعه

۳۶ -۵-۱-۴-۳- اصلاح فرهنگی

۳۷ -۲-۴-۳- نقش نخبگان سیاسی و شخصیت های موثر بر توسعه در قالب دولت ناظر بر توسعه

۳۹ -۱-۲-۴-۳- نخبگان در مالزی

۴۱ -۳-۴-۳- سازواری با نظام بین الملل

۴۴ -۵-۳- نتیجه گیری

## فصل چهار: ترکیه

۴۵ -۱-۴- مقدمه

۴۶ -۲-۴- مختصات کشور

۴۶ -۳-۴- مصادیق رشد و توسعه

۵۱ -۴-۴- تبیین رشد و توسعه در ترکیه

۵۱ -۱-۴-۴- اصلاح داخلی

۵۲	۴-۱-۱-۱- جهت گیری اقتصادی برون نگر
۵۹	۴-۱-۱-۲- سرمایه گذاری خارجی
۶۰	۴-۱-۳- مبارزه با فساد
۶۲	۴-۱-۴- حاکمیت قانون و تغییر سیاستها و قوانین در صورت عدم کارایی آن در جامعه
۶۴	۴-۱-۵- اصلاح فرهنگی
۶۶	۴-۱-۶- نقش حزب عدالت و توسعه
۶۷	۴-۱-۷- علل توسعه ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه
۶۹	۴-۲- نقش نخبگان سیاسی و شخصیت های موثر بر توسعه ترکیه
۶۹	۴-۲-۱- اتاترک
۷۱	۴-۲-۲- تورگوت اوزال
۷۱	۴-۲-۳- رجب طیب اردوغان
۷۲	۴-۳- سازواری با نظام بین الملل
۷۵	۴-۵- عوامل خارجی موثر بر توسعه
۷۵	۴-۵-۱- جهانی شدن
۸۰	۴-۵-۲- سازمان ها و اتحادیه های منطقه ای و بین المللی
۸۳	۴-۵-۲-۱- اتحادیه اروپا
۸۶	۴-۵-۲-۲- آسه آن
۸۹	۴-۶- نتیجه گیری
۹۱	منابع و مآخذ

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

مالزی پس از استقلال بصورتی متمایز قدم در راه توسعه گذاشت و با استفاده از عوامل گوناگون از جمله استفاده از نیروی کار ارزان، استفاده از تجربیات کارمندان باقی مانده از استعمار انگلستان، ایجاد اتحاد در درون، مساعد کردن شرایط برای سرمایه گذاری خارجی و... روند توسعه را برای خود هموار کرد (محمد، ۱۳۸۲: ۲۷-۱۶). بگونه ای که توانست طی چند سال از یک اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی تبدیل شود، بدین صورت که اکنون قسمت اعظم درآمد ملی خود را مدیون صنعت پیشرفته خود می داند. صنایعی از قبیل تجهیزات الکترونیک، فرآورده های نفتی، تجهیزات خودکار پردازش اطلاعات، صنعت حلال. این کشور به لحاظ اقتصادی در برخی از این صنایع مزیت نسبی دارد مثل صنعت حلال ویا توریسم. برای نمونه درآمدهای گردشگری در مالزی در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار بوده است (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۵: ۷).

به لحاظ سیاسی نیز مالزی دارای سیستم حکومتی دمکراسی پارلمانی و یک سلطنت مشروطه است. وجود دو مجلس در این سیستم، انتخابی بودن نمایندگان از سوی مردم، انتخابی بودن پادشاه برای مدت ۵ سال به سیستم

حکومتی مالزی وجهه ای نیمه دمکراتیک داده است (وزارت کشور امریکا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱). همچنین علی رغم وجود اقوام و مذاهب مختلف از قبیل مالاییها، چینی ها، هندیها، اسلام، مسیحیت، بودائیسیم در این کشور بجز ابتدای استقلال شاهد درگیری چندی بین مالاییها و چینیها بود اکنون اثری از نا آرامی دیده نمی شود.

بطور کلی سیاستهای اقتصادی کلان از قبیل انضباط مالی و ثبات در اقتصاد کلان (لیپیگر، ۱۳۷۵: ۳۴-۲۲)، نرخ تورم زیر ۳ درصد، جهت گیری نظر به خارج (وستفال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۵۹-۴۱)، (کروگر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵: ۴۹-۳۶)، راهبردهای تجاری مناسب (کورگمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۴۸-۴۲)، نقش مناسب دولت در مناسبات بازار (وید<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰: ۳۶-۳۰)، فرهنگ متناسب با توسعه (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۱۸۱-۱۸۰)، سهم زیاد صنعت در درآمد ملی، میزان بالای امید به زندگی و... از مالزی کشوری ساخته است که به سختی می توان این کشور را جزو کشورهای در حال توسعه قلمداد کرد.

کشور ترکیه نیز کشور اسلامی دیگری است که توانسته است به لحاظ رشد و توسعه الگوی دیگر کشورهای جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی قرار گیرد. ترکیه که با درآمد ملی بالغ بر ۲۵۵ میلیارد دلار شانزدهمین اقتصاد دنیا لقب گرفته است، دارای ترکیبی از اقتصاد سنتی و مدرن است. این کشور که در سالهای اخیر بحرانهای مختلفی را پشت سر گذاشته است در حال گذار از یک کشور در حال توسعه به کشوری پیشرفته است. بدین منظور سعی در خصوصی سازی اقتصادی، تلاش مستمر برای الحاق به اتحادیه اروپا و سرمایه گذاری در صنایع مدرن دارد. در حال حاضر ترکیه سرمایه گذاریهای کلانی در صنایع مختلف از جمله الکترونیک، عمران، نساجی و پوشاک و خودروسازی کرده است که رقم ۳۴/۸ درصد درآمد صنعتی نسبت ۸/۹ درصدی درآمد کشاورزی نشانگر موفقیت این کشور در این زمینه است (هوگمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵: ۱۸).

جمهوری دمکراتیک ترکیه نمونه مناسب کشوری است که توانایی انطباق فرهنگ و مذهب اسلامی خود را با وجوه مدرن و مثبت جهانی شدن و فرهنگ لیبرالیسم داشته است (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۶۸-۶۱). دو کشور ترکیه و مالزی نمونه کشورهای موفق اسلامی هستند که توانسته اند در چند دهه اخیر به درجات قابل ملاحظه ای از توسعه سیاسی و اقتصادی نائل آیند. واکاوی موفقیت دو کشور در این زمینه وجوه اشتراک و افتراقی را به ما نشان می دهد که درسهای حاصل از آن می تواند الهام بخش سایر کشورهای جهان سوم قرار گیرد. کشورهایی که شهر نشینی مخرب، اقتصاد تک محصولی، صنعت ضعیف، کشاورزی سنتی و... نمونه ای از ویژگیهای آنهاست (ساعی، ۱۳۸۴: ۸۱-۳۴).

---

1. U.S. Department of State  
 2. Larry E Westphal  
 3. Anne Krueger  
 4. Paul Kurgman  
 5. Robert Wade  
 6. Bernard M Hokeman

## ۲-۱- کلید واژه ها

**توسعه (Development):** توسعه مفهومی کیفی و چند بعدی است که بطور معمول اشاره می کند به تغییر از حالت فعلی به حالتی بهتر (مک لین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۳۷) و وجوه مختلفی را شامل می شود مثل توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و شاخصهایی از قبیل میزان بالای امید به زندگی، میزان بالای درآمد ملی، میزان بالای رفاه مردم، صنعت پیشرفته و... در بعد اقتصادی و شاخصهایی از قبیل اتحاد ملی، مشروعیت نظام سیاسی، مشارکت مردم در تصمیمات، مسئولیت پذیری نمایندگان مردم و... در بعد سیاسی شامل می شود. (عالم، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

**دمکراسی (Democracy):** دمکراسی حکومتی است مبتنی بر آرا و افکار عمومی که در آن مردم نمایندگان خود را در فضایی که سرشار از نهادها و انجمنهای مستقل و خود جوش باشد انتخاب می کنند و پایه های اصلی این نوع از حکومت عبارت اند از آزادی بیان، آزادی انجمن، آزادی قلم، آزادی احزاب (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۰) حاکمیت قانون، آزادیهای مدنی تضمین شده، مسئول بودن مقامات منتخب و... (آلتون و پلانو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲: ۸۱) و به گفته ابراهام لینکلن: "حکومت مردم، برای مردم، توسط مردم". (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

**موج سوم دمکراسی (The Third Wave of Democracy):** عبارت است از یک سلسله گذارهایی از نظامهای غیر دمکراتیک به نظامهای دمکراتیک که از ۱۹۷۴ در سطح جهان شروع شده است. (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۱۹).

**اصلاحات داخلی (Civil Reforms):** اصلاح که در اصطلاح فرانسوی از آن به رفرم یاد می شود به معنای ترمیم، بهسازی و مدرن سازی مولفه هایی است که عدم کارآیی خود را نشان داده و تبدیل به عاملی برای رکود و عقب ماندگی شده اند. (فلاورز، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۴۵).

**سازواری با نظام بین الملل (Suitability of International System):** در نگاه سیستمی به نظام بین الملل می توان این ساختار را به مثابه سیستمی کلان در نظر گرفت که واحدهای اصلی سازنده آن خرده سیستمهایی به نام کشورها هستند. اگرچه اجزای تشکیل دهنده این سیستم کلان کشورها هستند. اما این سیستم کلان که پس از تشکیل هویتی بزرگ و مستقل پیدا می کند ممکن است بارها دچار تغییر ساختار شود که ممکن است مطلوب اجزای تشکیل دهنده آن نباشد. لذا هر کشور بعنوان خرده سیستمی از این سیستم بزرگتر دارای ظرفیت معینی است که قابلیت میزان پذیرش بار وارده و تغییر شرایط بر خرده سیستم را نشان می دهد. بدین معنا که هر چه ظرفیت و قابلیت خرده سیستم بیشتر

---

1. Iain Mc Lean  
2. Jack Plano, Roy Alton

باشد می توان انطباق پذیری بیشتری را از آن انتظار داشت. برعکس، خرده سیستمهای دارای کم ظرفیت با تغییر شرایط نمی توانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند، در نتیجه تعادل خود را از دست می دهند و توانایی دفاع کامل از منافع خود را از دست می دهند. عبارتی سازواری به معنای انطباق خرده سیستمها (کشورها) با تغییرات ایجاد شده در سیستم کلان (نظام بین الملل) به منظور تامین منافع بهتر خرده سیستمها است. (سعیدآبادی، ۱۳۸۹: ۸).

### ۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

ماهاتیر محمد (۱۳۸۲). وی معتقد است مالزی برای پیشرفت به خود اتکا کرد و به جای جنگ برای استقلال به مذاکره پرداخت و از تنش دوری کرد. وی معتقد است مالزی از اسلام بعنوان یک عامل پیش برنده اصلاحات استفاده کرد و با تاکید بر علم و دانش و ارتباط معقول با وجود تمدن جدید و حفظ استقلال مالزی قدم در راه توسعه گذاشت.

احمد نقیب زاده (۱۳۸۶). وی توسعه در ترکیه را به سه دوره تقسیم می کند: ۱. دوره مقدماتی ۲. دوره توسعه اقتدار گرایانه ۳. دوره دموکراسی. در دوره اول در اثر جنگ غریبه با ترکان و نیز اعزام دانشجویان به غرب افکاری وارد کشور می شود که منجر به انقلاب ترکان جوان می شود. ویژگی دیگر این دوره نیز شکل گیری نسلی در ترکیه است که باید نوسازی در دوره های بعد را به عهده می گرفت. اما دوره دوم مصادف است با روی کار آمدن آتاترک. وی با اقدامات خود گام زیادی در جهت پیشرفت ترکیه به شیوه اقتدار گرایانه برداشت. به عبارتی اندیشه نوسازی از بالا و در پرتو یک رژیم اقتدار گرا بصورت ویژگی مشترک همه جوامعی درآمده بود که حرکت نوسازی در آنها در مقایسه با اروپا با تاخیر آغاز شده بود. دولت سازی به شکل نوین، بنیان گذاشتن صنعت مدرن و ملت سازی در ترکیه یادگار این دوران است. دوران سوم دوره پسا کمالی در ترکیه است. در این دوره قدرت چند حزبی می شود. تجدد خواهی و لائیسزم دو ویژگی مهم این دوره در ترکیه است. عبارتی نخبگان تصمیم به تکرار قدرت در این کشور گرفته بودند و این سرمنشا دموکراسی در ترکیه بود. هر چند گهگاهی ارتش به منظور حفظ سیاست لائیسزم در سیاست دخالت کرده اما وی معتقد است ترکیه همچنان دارای یک دموکراسی رو به پیشرفت است. برنارد لوئیس (۱۳۸۷). به بررسی دموکراسی در ترکیه می پردازد و معتقد است که دموکراسی در ترکیه بیش از هر چیز مرهون خود مردم ترکیه است. وی معتقد است در کشورهای انگشت شماری دموکراسی حاصل یک فرایند تدریجی و دراز است و ترکیه یکی از این کشورهاست. درست است که ترکها تا اندازه زیادی در توسعه خود از الگوهای خارجی پیروی کرده اند اما گزینش درست یا نادرست از میان این الگوها کار خود آنها بوده و شهروندان در تعیین سرعت و شیوه توسعه دموکراتیک بسیار بیش از نیروهای بیرونی تعیین کننده بودند. نهادهای دموکراتیک بیشتر در میان مردمی ماندنی است که آمادگی پذیرش و بهره گیری از آن را داشته باشند و ترکها این ویژگی را داشتند. وی معتقد است گرچه دموکراسی در ترکیه در ۴۰ سال اخیر چندین بار از مسیر خود خارج شده اما دوباره به مسیر

برگشته است. وی این کجروی در ترکیه را پیش بینی پذیر می دانست و معتقد است دمکراسی به مثابه دارویی است که برای برخی کشورها باید کم تجویز شود.

حسین آزاد بر (۱۳۸۷). به بررسی وضعیت اقتصادی مالزی پرداخته و عامل موفقیت در مالزی را دولت قدرتمند آن می داند که باعث سهل تر شدن امور شده است. مالزی با ایجاد ثبات در سیاستهای اقتصادی کلان، حاکمیت قوانین مناسب، منطقی ساختن ارتباطات متقابل بخش خصوصی و دولتی، تسهیل مقررات مربوط به سرمایه گذاری، حرکت در راستای مکانیزم اقتصاد بازار به این موفقیت نائل آمده است.

پسران قادر (۱۳۸۹). معتقد است توسعه مالزی مبتنی بر اسلام است. وی با تاکید بر اینکه مالزی بر اساس اسلام نرم توسعه یافته است که مبتنی بر خلق و خوی محمدی است می گوید مالایی ها امور خود را بر اساس مدل الله محوری و ارزشهای توحیدی تنظیم کرده اند. عبارتی بازگشت به اسلام منطبق با توسعه. وی با اشاره به مفهوم اسلام حضاری که از سوی بدای مطرح شده است توسعه اقتصادی فراگیر، انسجام و اتحاد فرهنگی، ملت آزاد و مستقل، دولت دادگر و مورد اعتماد، حفاظت از محیط زیست، حمایت از گروههای اقلیت و زنان را از ویژگیهای اسلام حضاری دانست.

از بین موارد نامبرده شده تنها نقیب زاده بصورت تطبیقی تحقیق خود را انجام داده است اما نه بین مالزی و ترکیه بلکه بین ایران و ترکیه. مضافا اینکه احمد نقیب زاده در نتیجه گیری خود توسعه در ایران و ترکیه را در یک سطح اعلام می کند در صورتی که پر واضح است که سطح توسعه در ایران و ترکیه یکسان نیست. احمد نقیب زاده، لوئیس به بررسی توسعه سیاسی پرداخته و به بحث توسعه اقتصادی پرداخته اند. ضمن اینکه تمامی موارد نامبرده از عوامل بین المللی موثر بر توسعه غافل مانده اند و فقط به عوامل داخلی پرداخته اند. همچنین پسران قادر از بین عوامل داخلی موثر بر توسعه فقط به عامل فرهنگی اشاره کرده اند در صورتی که در علوم اجتماعی پدیده های اجتماعی چند علتی اند.

#### ۱-۴- اهداف تحقیق

۱. تبیین عوامل موثر در توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه
۲. تبیین عوامل موثر در توسعه سیاسی و اقتصادی مالزی
۳. تبیین عوامل مشترک و متفاوت موثر در توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه و مالزی

### ۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق

در چند دهه اخیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه از قبیل چین، سنگاپور، تایوان، کره جنوبی و ... با درک عمیق از چگونگی تعامل با ساختار نظام بین الملل کنونی و بکارگیری عقلانیت در ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داخلی توانسته اند پوسته سخت توسعه نیافتگی را بشکنند. اما همچنان بسیاری از کشورهای اسلامی علی رغم منابع بسیار، نیروی جوان و تحصیلکرده و ... در چالش بین سنت و تجدد، دین و دنیا، منافع اسلامی و منافع ملی دست و پا می زنند. رساله پیش رو نشان می دهد که چگونه دو کشور اسلامی ترکیه و مالزی توانسته اند ضمن حفظ شعائر و مقدسات اسلامی روند توسعه را در درون برای خود هموار کرده و به یک سازواری با ساختار نظام بین الملل دست پیدا کنند. از اینرو نتایج حاصل از این تحقیق با ریشه یابی علل توسعه در دو کشور مذکور راهکارهایی برای سایر کشورهای اسلامی توصیه می کند. ضمن اینکه باید خاطر نشان ساخت برنامه ریزی برای توسعه در هر کشور باید با توجه به ساختارهای خاص فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن کشور انجام شود.

### ۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق

با توجه به اینکه دو کشور ترکیه و مالزی نمونه کشورهای موفق در حال توسعه هستند نتایج حاصل از این تحقیق می تواند مورد استفاده سایر کشورهای در حال توسعه بخصوص ایران که خواهان توسعه و ارتقای جایگاه خود در منطقه و جهان هستند و نیز در حوزه اندیشه مورد استفاده اساتید محترم، دانشجویان، صاحب نظران و علاقه مندان به این حوزه قرار گیرد.

### ۱-۷- فرضیه های تحقیق

عوامل موثر مشترک در توسعه سیاسی و اقتصادی مالزی و ترکیه:

۱- اصلاح و تعدیل داخلی بخصوص در عرصه فرهنگی و آموزشی

۲- سازواری با نظام بین الملل

۳- نقش شخصیتها در توسعه

۴- جهانی شدن و سازمانها و اتحادیه های بین المللی بعنوان عوامل بین المللی موثر بر توسعه

عوامل متفاوت در توسعه سیاسی و اقتصادی مالزی و ترکیه:

۱- تاثیر بیشتر عامل خارجی (سازمانها و اتحادیه های بین المللی) بر روند توسعه در ترکیه نسبت به مالزی به دلیل

موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه



## ۸-۱- روش تحقیق

در این تحقیق از روشهای توصیفی و تحلیلی برای بررسی فرضیات استفاده شده است. ضمناً برای گردآوری مطالب نیز از کتب و مقالات، مجلات، روزنامه ها و سایتهای اینترنتی استفاده شده است.

## ۹-۱- ابزار تجزیه و تحلیل

چارچوب نظری استفاده شده در این تحقیق نظریه موج سوم دموکراسی اثر ساموئل هانتینگتون است. موج دموکراسی شدن عبارت است از یک سلسله گذارها از رژیمهای غیر دموکراتیک به رژیمهای دموکراتیک که در زمانهای خاص صورت پذیرفته است و همچنین گذارهای مشخصی در همان زمان را در جهت مخالف به همراه آورده است. این موج نیز موجب لیبرالی شدن نظامهای سیاسی شده است که کاملاً دموکراتیک نشده اند. در دنیای جدید ۳ موج دموکراسی شدن بر خاسته است. در هر موج شمار اندکی از کشورها به دموکراسی رهنمون شده اند و در موج برگشت نیز شماری به نظامهای غیر دموکراتیک برگشته اند. می توان تاریخ ظهور این موجها را که به تغییر رژیم ها منجر شده است را بدین گونه تعیین کرد:

۱۸۳۸-۱۹۲۶	نخستین موج دموکراسی شدن:
۱۹۲۲-۱۹۴۲	نخستین موج برگشت:
۱۹۴۳-۱۹۶۲	دومین موج دموکراسی شدن:
۱۹۵۸-۱۹۷۵	دومین موج برگشت:
۱۹۷۴ - ؟	سومین موج دموکراسی شدن:

موج اول دموکراسی شدن ریشه در انقلابهای امریکا و انگلستان داشت. ایالات متحده با لغو امتیازات و شرایط مالکیت در ایالات قدیمی و پذیرفتن ایالات جدید با حق رای عام مردان در انتخابات درصد آرا را بالا برد. در کشورهای دیگر نیز بتدریج تعداد رای دهندگان افزایش یافت، رای مخفی معمول گردید، مسئولیت دولت در برابر پارلمان مسجل شد و غیره. بطور کلی حدود ۳۰ کشور در طول ۱۰۰ سال نهادهایی با حداقل خصوصیات دموکراتیک بر قرار کردند. اما تکامل سیاسی مسلط در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از صورت دموکراسی خارج و به شکلهای سنتی اقتدار گرای و توتالیتریسم درآمد. این بازگشت بیشتر در کشورهای رومی داد که درست قبل یا بعد از جنگ جهانی اول شکلهای دموکراتیک را

پذیرا شده بودند. کشورهایی که نه تنها دموکراسی برایشان تازگی داشت بلکه در برخی از آنها به تازگی ملت شکل گرفته بود (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۳۰-۱۸).

با آغاز جنگ جهانی دوم موج دوم دموکراسی شدن سر بلند کرد. در حالیکه فشار شوروی جرقه های دموکراسی را در کشورهای تحت سیطره خود خاموش می کرد موج دموکراسی شدن در اروپا در حال گسترش بود. همزمان با پایان گرفتن استعمار نیز شماری از کشورها پیدا شدند که دموکراسی رقیقی در آنها جان گرفت. با اینحال موج دوم فرو نشست. تغییر و تحولات دوباره به اقتدار گرایان میدان داد. این دگرگونی در امریکای لاتین که نوع جدیدی از رژیمها یعنی اقتدارگرایی بروکراتیک در آنجا ایجاد شده بود شدید تر بود. در این دوره روی گردانی از دموکراسی تند بود. به یک حساب فقط ۳ کشور بوتسوانا، کلمبیا، ونزوئلا دمکرات باقی مانده بودند. اما قویترین موج دموکراسی با فروپاشی رژیم مارسلو کاتانو در پرتغال در ۱۹۷۴ ایجاد شد. این موج ابتدا طی ۱۵ سال جنوب اروپا رادرنوردید واز آنجا به امریکای لاتین واز آنجا به آسیا رفت. در این مدت در ۳۰ کشور رژیمهای دمکرات جای رژیمهای اقتدار گرا را گرفتند. جنبش دموکراسی جنبشی جهانی بود. در ۱۹۷۴ هشت کشور از ده کشور امریکای لاتین غیر دمکرات بودند، در ۱۹۹۰ نه کشور صاحب حکومت دمکراتیک شدند. خلاصه کلام که موجهای دموکراسی و موجهای مخالف بر طبق الگوی دوگام به جلو ویک گام به عقب حرکت کردند (همان، ۱۳۷۳: ۳۰). واما آنچه در موج سوم دیده شد این بود که این موج، موج مخالفی را به همراه نداشت. جنبشهای مردمی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۰ در سودان، تونس، مصر و... موج را به افریقا کشانده است و انتظار می رود از آنجا به خاورمیانه انتقال یابد. موج سوم دارای ویژگیهایی است که آن را از دو موج پیش متمایز می سازد: الف: در موج سوم بر خلاف دو موج پیش نقش نخبگان بسیار مهمتر است ب: در موج سوم توسعه روندی ناموزون دارد. یعنی برخلاف نظریات اندیشمندان مدرن نیزاسیون توسعه اقتصادی الزاما پیش شرط توسعه سیاسی نیست. چه بسا کشورهای فقیری که با جمعیتی عظیم خواهان دموکراسی بودند. زیرا تا چندی پیش تصور توسعه در کشورهای فقیر بعید به نظر می رسید. زیرا تصور بر این بود که فرایند توسعه نتیجه انباشت دراز مدت سرمایه و مهارتهای انسانی است (راست و استار، ۱۳۸۵: ۵۷۸) ج: در موج سوم بر خلاف دو موج پیش نقش عوامل بین المللی از قبیل مجامع بین المللی مثل سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، سازمان ملل، یعنی سازمانهایی که عمدتا بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۸۴-۲۷)، جهانی شدن، فشارهای ایالات متحده بسیار مهم است. همانگونه که تمامی نظریه پردازان مکتب وابستگی به این امر مهم واقف بودند (امین<sup>۱</sup> ۱۹۸۹: ۸۸-۸۰). د: روند دموکراسی شدن در

موج سوم بر خلاف موجهای پیش سریعتراست. ازینرو سعی نگارنده در تبیین توسعه در دو کشور مالزی و ترکیه براساس موج سوم با ویژگیهای پیش گفته است.

#### ۱-۱۰-۱- ساماندهی پژوهش

در این فصل نگارنده پس از شرح و بیان مساله و تبیین واژه های کلیدی به بررسی و پیشینه ادبیات تحقیق پرداخته است و پس از آن اهداف تحقیق و اهمیت و ارزش تحقیق مشخص گردیده است. در بخش بعدی فرضیات تحقیق تبیین شده است. در بخشهای بعدی به ترتیب کاربرد نتایج تحقیق، روش تحقیق، ابزار استفاده شده برای جمع آوری مطالب و سپس ابزار تجزیه و تحلیل استفاده شده در این تحقیق ذکر شده است.

## فصل دوم

### چارچوب تئوریک

#### ۲-۱- مقدمه

چارچوب نظری استفاده شده در این تحقیق نظریه موج سوم دموکراسی اثر ساموئل هانتینگتون است. موج دموکراسی شدن عبارت است از یک سلسله گذارها از رژیمهای غیر دموکراتیک به رژیمهای دموکراتیک که در زمانهای خاص صورت پذیرفته است و همچنین گذارهای مشخصی در همان زمان را در جهت مخالف به همراه آورده است. این موج نیز موجب لیبرالی شدن نظامهای سیاسی شده است که کاملاً دموکراتیک نشده اند. تاریخ دقیقی برای شروع این موج نمی توان در نظر گرفت اما به تقریب می توان گفت خصوصیات این موج اوایل دهه هفتاد میلادی در اکثر قریب به اتفاق کشورهایی که سوار بر این موج شدند مشاهده گردید. در این فصل به چگونگی خصوصیات و علل موج سوم پرداخته خواهد شد.